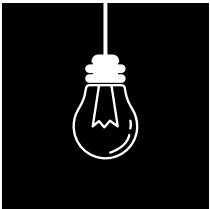


خاموشی‌های بی‌برنامه خداحافظ!

سخت‌گوی صنعت برق کشور گفت: از روز پنجشنبه ۱۷ تیرماه هیچ خاموشی خارج از برنامه‌ای در کشور نداشته‌ایم. خاموشی‌های ناشی از حریق ترانسفورماتورها نیز که در مناطق تهرانپارس، لواسانات و قیطریه تهران اتفاق افتاد با بازگشت دو ترانسفورماتور به مدار از روز یکشنبه ۲۰ تیر برطرف شد. صنایعی که برنامه‌های تعمیراتی روتین خود را که معمولاً در مرداد یا شهریور انجام می‌دادند به زمان خارج از پیک بار موقوف کنند، میزان برقی که در این دو هفته مصرف نمی‌کنند را در دوره بعد از رفع محدودیت با تعرفه رایگان دریافت خواهند کرد که این خود مشوقی برای جلب بیشتر همکاری صنایع محسوب می‌شود.



در این پرونده به وزوایایی از بی‌برقی نگاه کرده‌ایم که تابه حال ندیده‌اید

بهانه‌های خاموش



علیرضا زافی

روزنامه‌نگاری که قطع برق بهانه خوبی دستش داده است

ما که فرهنگ‌مان با صداقت پیوند عمیق خورده در عالم لوتی‌گری و مشت‌گری از این خرده‌فرهنگ‌های ضایع نداریم. ما یا مثل مرد راستش را می‌گوییم یا مثل مرد دروغش را. اما در فرهنگ انگلیسی نوعی تعامل بین افراد وجود دارد که تکلیفش با خودش مشخص نیست. یعنی گوینده بدون قسم حضرت عباس ادعا دارد که راست می‌گوید ولی می‌داند دروغ است و شنونده هم ظاهراً از او می‌پذیرد که راست است ولی می‌داند که دروغ است. به این نوع تعامل می‌گویند excuse

مثلاً رفیق بامرام انگلیسی که دارد برای آخر هفته برنامه شمال انگلیس را می‌چیند به رفیق دیگر زنگ می‌زند و می‌گوید: «آخر هفته میای شمال؟» آن رفیق بامرام هم که با چند رفیق بهتر، برنامه‌ای بهتر از شمال انگلیس را چیده برای این‌که دل رفیقش

حافظ با پیش کشیدن بحث برق منزل لیلی می‌خواهد به ما چه بگوید؟

برق چشمان تو



حامد عسکری

شاعر و نویسنده‌ای که معانی پنهان اشعار را خوب می‌شناسد

داشته که ماهانه کلی برق مصرف می‌کرده است و کیسه کیسه اشرفی به اداره برق می‌داده است. حالا این‌که حضرت خواجه به آمدن و رفتن برق این ویلا اشاره کرده است را با هم بررسی می‌کنیم.

۱. پدر لیلی ویلای غیرمجاز ساخته بوده است

از مصرع دوم می‌شود به ویلا بودن خانه لیلی اشاره کرد که گویا جناب مجنون در آن حوالی گندمی کلزایی دانه‌های روغنی‌ای چیزی کشت می‌کرده و بعد از برداشت آنها را خرمن می‌کرده، یعنی ویلای خانم لیلی در کنار زمینی بوده که کاربری ویلاسازی داشته. یک قول ضعیفی هم می‌گوید بابای خانم لیلی زمین ویلایشان را با شهرداری ساخت و پاخت کرده و تغییر کاربری داده وگرنه در آنجا شهرداری شاه‌شجاع به هیچ‌کس اجازه ساخت و ساز نمی‌داد.

۲. برق ویلای پدر لیلی فشار قوی بوده است

برق خانه خانم لیلی هم بالقطع و البیقین فشار قوی بوده است و دلیل علمی‌اش هم این است که کابل‌های آن اتصالی کرده و زده خار و ساقه و گلبرگ خرمن جناب مجنون را خاکستر کرده‌است. مورخان معتقدند جناب مجنون به علت اهمال‌کاری و پشت‌گوش‌اندازی خرمن محصولش را بیمه نکرده است و به همین خاطر دستش به هیچ جا بند نبوده و از چیزی که بوده بدبخت‌تر شده‌است. طبق اسناد به‌دست آمده و بنا به نوشته میزطغرای شلتوکی در کتاب لوازم‌التحریر مجنون کلی هم اقساط وام را به بانک کشاورزی بدهکار بوده که قرار بوده بعد از فروش خرمن محصولات غیرتراریخته‌اش اقساط را صاف کند که متأسفانه خرمنش به خاک فنا رفته است.

۳. پدر لیلی بیت‌کوین استخراج می‌کرده‌است

نکته مورد تأمل دیگر ساعتی است که این اتفاق می‌افتد. به نظر شما چرا سحر باید این اتفاق بیفتد؟ اگر هم قرار باشد اتفاقی برای برق ویلا بیفتد باید در ساعات اوج مصرف و سر شب باشد نه دم سحر که اصلاً کسی از برق استفاده نمی‌کند. از این ساعت اتصالی می‌شود فهمید که ویلای پدر لیلی در آن ساعت که همه چراغ‌ها خاموش است مشغول مصرف برق بوده‌است. حالا بیایید مثل عالمان علم منطق دو فرض قطعی را کنار هم بگذاریم و به یک حکم برسیم. فرض قطعی اول این که ویلای پدر لیلی در ساعتی که اوج مصرف نبوده، برق زیادی مصرف می‌کرده‌است. بگویید خب! فرض قطعی دوم این که پدر لیلی بسیار بسیار پولدار بوده است و در تاریخ ذکر نشده که این پول را از کجا به دست می‌آورده است. بگویید خب! خب از این دو فرض و با استناد به مقاله‌ای علمی که یک هموطن منتشر کرده و گفته که بیت‌کوین هم مثل بیتزا و چیزهای دیگر اختراع ایرانیان بوده‌است، می‌شود نتیجه گرفت که پدر لیلی در ویلایش مزرعه استخراج بیت‌کوین داشته و با شاه‌شجاع هم بسته بوده و شیتیل می‌داده که مزرعه‌اش را بشخم زنند. حالا که ابعاد مختلف این بیت را با هم کاویدیم. باید مثل همه شعرها و حکمت‌های قدیمی نتیجه اخلاقی هم داشته باشد. ما از این پژوهش چند نتیجه می‌گیریم.

زمین‌خواری در تاریخ ایران ریشه‌ای عمیق دارد و حتی بابای خانم‌لیلی هم در وسط مزارع اقدام به احداث ویلای وسیع کرده‌است. پس نباید از زمین‌خواران محترمی که کارشان ریشه‌ای چندصد ساله دارد توقع داشته باشیم که همین الساعه این کار را تمام کنند و بروند در اتاق و به کار زشت‌شان فکر کنند. مساله باید ریشه‌ای و صدها سال پیش درمان می‌شد.

منزل خانم لیلی به هیچ عنوان از ترانس‌های محافظ وسایل برقی استفاده نمی‌کردند به همین دلیل منجر به آتش‌سوزی شده‌است. این نشان می‌دهد که مردم کشور ما از دیرباز هم به حرف‌های بابابرقی‌شان گوش نمی‌دادند و وسایل برقی منزل را بدون محافظ می‌زدند به برق و اداره برق هم که از همان موقع مسؤولیت هیچ چیز را به‌عهده نمی‌گرفت.

سیستم برق‌کشی ویلای لیلی اینها توسط تیم متخصص انجام نشده و با اولین نوسان کابل‌ها به حریق منجر شده‌است. پدر لیلی با آن وضعی که توپ تکانش نمی‌داد مثل بسیاری از پولدارها حاضر نشده که پولش را به جیب تیم متخصص بریزد.

برای این‌که به عاقبت مجنون خرمن‌سوخته دچار نشوید مزرعه‌تان را بیمه کنید. اگر محصولات زراعی را بیمه کنیم هیچ خطری متوجه شما نیست و حتی گنجشک‌ها تخم محصولات شما را هم نمی‌توانند از زمین دربیاباوند و بخورند.

از شوخی گذشته؛

خاموشی چیز مزخرفی است، بی‌تابی نوزادها و سالمندان از گرما، خراب شدن محصولات لبنی و دارویی و غذایی و کلافگی مردم همه و همه عواقب خاموشی است، رعایت نمی‌کنیم درست. عرضم این است، مگر کرونا نیست؟ مگر دانشگاه‌ها، مدارس، استخرها و... تعطیل نیست؟ مگر ما صادرکننده برق نبودیم حالا چه شده؟ ما که چیز زیادی نمی‌خواهیم اینقدری هم شعور داریم که وضع مملکت را بفهمیم. مثل انسان‌های باکلاس لباس قشنگ‌ها‌تان را ببوشید بیایید جلوی دوربین‌ها بگویید نداریم بیخشید یک ذره تحمل کنید نه این‌که بادیولرگاری پرچم پشت سرتان را تکان بدهد بگویید بی‌برقی نباید باشد. چه جالب ما هم همین را می‌گوییم اتفاقاً...

چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

هذیان‌های یک ذهن آشفته، نشسته در تاریکی که در گرمای بی‌برقی چای می‌نوشد و خودش را باد می‌زند



میثم اسماعیلی

روزنامه‌نگاری که بی‌برقی و گرما کلافه‌اش کرده است

چه کسی این چراغ‌ها را خاموش می‌کند؟ تصویر وزیری که در دورنمایش چلچراغی روشن است دارد دست به دست می‌شود. جدولی در گروه‌های خانوادگی مجازی می‌چرخد که نوبت تاریکی هر کسی را با رنگ‌ها و اعداد معرفی کرده، معرفی‌ای که هیچ وقت

خدا هم درست در نمی‌آید. مدام قول می‌دهند طبق برنامه تاریک‌مان کنند! مامور برقی که از مردم عاصی گرفتار در خاموشی کتک می‌خورد، اداره برقی که در آتش می‌سوزد، رمزارهایی که استخراج می‌شوند، کارخانه‌ای متروک که مزرعه رمزارز است کشف می‌شود، برقی که همچنان اما قطع می‌شود، آدم‌هایی در نیروگاهی بازداشت می‌شوند، بازداشت‌هایی که تکذیب می‌شوند،

بعد دوباره تایید می‌شوند، اداره‌ها مقصر می‌شوند، کارمندهای تنبل پرمصرف اگر صبح زودتر از خواب بلند شوند، ترافیک کرونایی بزرگراه‌های تهران را، متروهای شلوغ و گرم تابستان را، اتوبوس‌های کند و فرسوده خیابان را، تاکسی‌های اینترنتی گران را که پشت‌سر بگذارند و بنشینند پشت میزهای داغ از گرمای کشدار این روزها؛ حتما که برق کمتری از کف نیروگاه‌ها می‌رود، حتما که به‌جای سه بار قطعی روزانه، رنگ‌ها در جدول خاموشی کمتر تکرار می‌شوند.

مردم مقصر می‌شوند، وزیر می‌گوید ما پرمصرفیم، «اصلاح الگوی مصرف» تیترو می‌شود، بی‌میترا فونت ۲۰، برق اما هنوز قطع می‌شود. سختگوی برق می‌گوید ما چهاربرابر مردم جهان برق مصرف می‌کنیم، تصویر شهر خاموش، پیوست این هشدارهاست! کدام جهان؟ ما چه کسانی هستیم؟ اینجا کجاست؟ سختگو کیست؟ کدام آمار؟ کدام مصرف؟ علامه گوگل آمار روز برق مصرفی کشورهای جهان را به

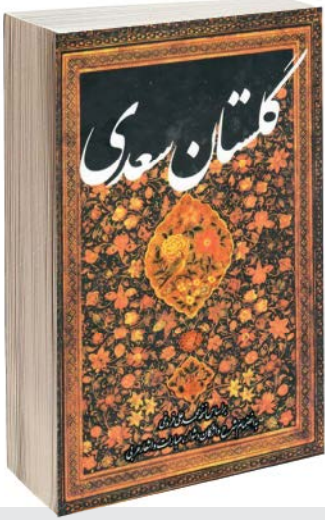
شماره فهرست کرده، ما از میانگین مصرف جهان هم پایین‌تریم! سختگو تلفنش را جواب نمی‌دهد، حتما برق رفته است. دزد‌ها سیم برق خاموش شهری را گلوله می‌کنند مثل کاموا، نه در حسن‌آباد اما حتماً به کیلو می‌فروشدند، مس دارد، در کوره‌های مالخرها که بسوزد مس‌های سیم برق می‌ماند که حتماً پول می‌شود به جیب سارقانی که شب برق ندارند! موتوربرق طلا می‌شود، بیرون مغازه‌هایی که قرار بوده با کرونا‌ی دلتا تعطیل باشند دارند می‌سوزند، خرخر می‌کنند تا به ضرب و زور مغازه را روشن نگه‌دارند. مثل تیرک‌های فلزی پای درخت‌های زاغر باغ عموحسن که عصای درخت‌ها شده بودند. صدا به صدا نمی‌رسد، پرنده پر نمی‌زند، بوی گازوئیل موتوربرق با صدای ویرانش و صاحب مغازه‌هایی که بیرون به تماشا سیگار می‌کشند. پس چه کسی این چراغ‌ها را خاموش می‌کند؟ جدول خاموشی به هاوانا هم می‌رسد، مردمش با شلوارک اما با

ماسک (چون مهم است) در خیابان‌های شهر اعتراض می‌کنند. حتماً آنها هم پنج برابر میانگین مصرف جهان برق خورده‌اند! عکس‌های گویا نشان می‌دهد آنها که برق ندارند لااقل ترافیک هم ندارند، اصلاً ماشین ندارند، ما اما داریم، چراغ راهنمایی هم داریم برق اما نداریم، ماشین‌ها در خاموشی چراغ به هم می‌ولند، پلیس می‌گوید برق که نداریم مامور هم نداریم؛ خودمان باید بمالیم. لاله‌زار شلوغ است، روشن است، می‌درخشد، کسی توی این بی‌برقی پی چراغ نیامده همه دنبال محافظند! یخچال‌ها توان قطع و وصل شدن‌ها ندارند، می‌سوزند، آدم‌ها دارند شمع روشن می‌گذارند توی دستشویی، گرم است اما شاعرانه می‌شود. برق که می‌رود آب هم می‌رود، تلفن هم نداریم، اینترنت هم نداریم، بستنی هم نداریم! کیم‌ها در یخچال سوپرمارکت‌ها شل می‌شوند. کولر‌ها راحتند، پدرها خوشحال. واقعاً چه کسی این برق را قطع می‌کند؟

طبق تحقیقات من، سعدی شیرازی اولین متفکری است که بحث خاموشی را پیش کشیده است

در باب خاموشی

را بسته. امیر از غرغه بدید و بشیند و بخندید. گفت ای حکیم از من چیزی بخواه. گفت جامه خود می‌خواهم اگر انعام فرمایم. رضینا ین نوالک بالرحیل. (از بخشش تو به رخصت در کوچ کردن راضی هستم) امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان سالار دزدان را بر او رحمت آمد و جامه باز فرمود و قبا پوستینی بر او مزید کرد و درمی چند. خلاصه که اگر نیک بنگرید این خاموشی‌ها برای خودمان خوب است. وزارت محترم نیرو که از همین‌جا هم خدمت‌شان خسته نباشید عرض می‌کنیم، خدای نکرده نمی‌خواهد ما در گرما اذیت شویم. می‌خواهد ما به اصل خود برگردیم. چراغ گردسوز روشن کنیم. دور هم جمع شویم و حرف‌های سعدی را در باب خاموشی بخوانیم که اولین متفکری است که حرف خاموشی و بی‌برقی را پیش کشیده است.



مسکین برهنه به سرما همی‌رفت. سگان در قفای وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. در زمین یخ گرفته بود عاجز شد. گفت این چه حرامزاده‌مردمانند سگ را گشاده‌اند و سنگ

و شب‌هایی افتاده که هنوز مردم از موهبت برق برخوردار نبودند ولی در میان همان خاموشی‌ها دل روشنی داشتند. در همین راستا به خاطر آمد جناب سعدی علیه‌الرحمه نیز در فواید خاموشی، بابی در گلستان دارد و حکایاتی ارزشمند در این باب آورده است. گرچه این «خاموشی» نه آن «خاموشی» است، لیکن به واسطه همین خاموشی‌های پی‌درپی تابستانه سازمان توانیر، بسیاری از مردم ما نیز از شدت خشم و ناراحتی، خاموشی را به فریاد ترجیح داده‌اند و زبان به کام گرفته خودخوری می‌کنند، تا بلکه این چند صباح باقیمانده از دولت اعتدال نیز سپری شود به امید گشایشی در دولت جدید. در همین باب جناب سعدی در گلستان می‌فرماید: یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت و ثنایی بر او بگفت. فرمود تا جامه از او بکنند و از ده بدر کنند.



علی غنی

شاعر و کتابفروشی که فواید خاموشی را در ادبیات کهن چسته است

در یکی دو ماه گذشته آن‌قدر تعدد قطع برق در خانه‌هایمان زیاد شده که یک‌جورهایی می‌شود گفت همه‌مان با خاموشی انس و الفت گرفته‌ایم و بعضی شب‌ها خانه‌هایمان حال‌وهوای گذشته‌ها را به خود می‌گیرد. خصوصاً به این علت که گرما در بسیاری شب‌ها حتی باعث می‌شود از خیر روشن کردن شمع هم بگذریم و ترجیح دهیم در تاریکی کامل باشیم تا این‌که به خاطر یک روشنایی اندک، حرارت شمع هم بر گرمی هوای خانه اضافه شود.

به نظر می‌رسد در مملکت ما فرهنگ از چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که حتی نهادهای چون وزارت نیرو هم به فکر آشنا کردن مردم با تاریخ و روزها